ازدواج ام کلثوم
با عمر
واقعیت یا افسانه

بسم الله الرحمن الرحیم

ازدواج ام کلثوم با عمر واقعیت یا افسانه

نویسنده:

ا. س

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ازدواج ام کلثوم با عمر واقعیت یا افسانه

مشخصات کتاب

اشاره

یکی از چیز هایی که اهل سنت همیشه برای اینکه نشان بدهند میان حضرت علی(ع) بر سر حکومت نزاع و اختلافی نبوده است و رابطه آنان دوستانه بوده و حضرت علی(ع) عمر را دوست می داشته و او را حاکم مشروع و امیر المومنین خود می دانسته، ازدواج عمر با ام کلثوم دختر حضرت علی(ع) می باشد. آنان استدلال می کنند، اگر رابطه حضرت علی (ع) با عمر خصمانه می بود و علی (ع) عمر را غاصب خلافت خویش می دانست، آیا هرگز حاضر می شد دختر خود را به عمر بدهد تا او با دخترش ازدواج کند؟ البته پیشاپیش باید خاطر نشان کنم اینجانب مانند برخی از شیعیان فکر نمی کنم که رابطه حضرت علی (ع) با عمر چنان تیره بوده باشد که حضرت علی(ع) خلیفه دوم عمر را به کلی از دایره اسلام خارج دانسته و هیچ گونه رابطه ای حتی در حد رابطه یک مسلمان با مسلمان دیگر هم نداشته اند بگونه ای که با او معامله ای مانند خرید و فروش و ازدواج و... هم نکرده باشد. و اگر ثابت شود که عمر با ام کلثوم ازدواج کرده، پس او را گیرنده حق خلافت خود هم نمی دانسته باشد. از این جهت تا می توانند این قضیه را انکار می کنند و هرگونه رابطه دوستانه ای را میان امام علی(ع) و شخین نفی می کنند. اما به گمان اینجانب حضرت علی(ع) با اینکه خلافت را حق خود می دانسته اما مرزها را هم نگه می داشته و اینگونه مطلق نگر نبوده است که وقتی کسی حقی را از او ضایع کرده باشد، تمام روابط خود را با آنان قطع و تمام سوابق طرف را هم نادیده بگیرد و حتی اسلام شان را انکار نماید. امام علی(ع) یکی از ویژگی های منحصر بفردش این بود که بسیار فراتر از افراد معمولی می نگریست و به همین جهت درعین انتقاد از طرف مقابل و حتی جنگ با آن، جانب انصاف را نگه می داشت. مثلا وقتی در جنگ جمل شمشیر زبیر را دید گریست و گفت: این شمشیر چه غم ها که از رسول الله (ص) نزدود. و هنگامی که با جنازه طلحه مواجه گردید برای او نیز تأسف خورد و به یاد رشادت های او در زمان رسول الله (ص) افتاد و ام المومنین عایشه را نیز بااکرام و اعزاز به مدینه فرستاد. امام علی(ع) در همان هنگام حکومت شیخین در عین حالی که به حکومت آنان معترض بود زیرا آنان را گیرندگان حق خود می دانست، با آنان در پیشبرد حکومت شان همکاری می کرد و مشورت های راهگشا به آنان ارائه می نمود. به همین دلیل بود که عمر می گفت: خداوند مرا با هیچ مشکلی مواجه نکند که ابوالحسن نباشد تا از گره آن وا کند. اما سخن در این است که آیا ازدواج عمر با ام کلثوم واقعیت تاریخی دارد یا نه؟ و آیا این ازدواج واقع شده است یا خیر؟ اهل سنت روایات زیادی در این مورد روایت کرده اند که برخی با صراحت از ازدواج عمر با ام کلثوم صحبت می کند و برخی روایات نیز از لازمه آن ازدواج عمر با ام کلثوم است. ابن عبد البر در الاستیعاب و ابن اثیر در اسد الغابه و بلاذری در انساب الاشراف و ابن حجر در الاصابه روایت می کنند که: ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب و فاطمه دختر رسول الله (ص) قبل از وفات حضرت رسول (ص) متولد گردید و عمر بن خطاب از او خواستگاری کرد. علی بن ابی طالب به او گفت: وی کوچک است. عمر گفت: ای ابو الحسن او را به ازدواج من در آور که من آنچنان شأن و کرامت او را نگهدارم که هیچکس نگه ندارد. علی (ع) گفت: من او را پیش تو می فرستم. اگر او را پسندیدی او را به ازدواج تو در خواهم آورد. آنگاه علی (ع) پارچه ای را بدست دخترش داد و گفت: نزد عمر برو و به او بگو: این همان پارچه ای است که من به تو گفته بودم. ام کلثوم نیز پارچه را نزد عمر برد و پیام علی (ع) را رساند. عمر گفت: به پدرت بگو: خدا از تو راضی باشد من پسندیدم. آنگاه عمر دست خود را بر ساق پای ام کلثوم گذاشت!. (در برخی روایات دارد ساق پای ام کلثوم را لخت کرد. در برخی روایات دیگر دارد که عمر ام کلثوم را در بغل گرفت!) ام کلثوم گفت: چه کار می کنی؟ اگر امیر المومنین

نبودی بینی ات را می شکستم. آنگاه از پیش عمر خارج شد و نزد پدرش آمد و ماجرا را تعریف کرد و گفت: تو مرا نزد پیر مردی بدکردار فرستادی. علی گفت: دخترم! او شوهر تو است. آنگاه عمر در سر قبر رسول الله در مجلس مهاجران اولین حاضر شد و به آنان گفت: به من تبریک بگویید (رفئونی). پرسیدند: به چه مناسبت ای امیر مومنان!؟ گفت: من با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب ازدواج کردم. من از رسول الله (ص) شنیدم که فرمود: روز قیامت هرنسب و خویشاوندی و دامادی منقطع است جز نسب و سبب و دامادی من. من با رسول الله نسب و سبب داشتم خواستم دامادی را هم اضافه کنم. آنگاه مهاجران به او تبریک گفتند؟ ام کلثوم برای عمر زید بن عمر و رقیه را به دنیا آورد و در زمان معاویه هردو در یک روز مردند و حسن بن علی (ع) عبدالله بن عمر را پیش انداخت تا نماز میت بر آنان بخواند و خود به او اقتدا کرد.

بررسی روایت

در مورد این روایت و روایات دیگر در این مورد ملاحظات چندی وجود دارد: ۱-روایت ازدواج عمر با ام کلثوم دختر علی (ع) صحیحین بخاری و مسلم نیامده است. بسیار اتفاق افتاده که اهل سنت وقایعی را که شیعیان به آن استناد کرده اند، اظهار کرده اند این روایت در صحیحین نیامده است در حالیکه در روایات معتبر دیگر شان آمده است. ۲-این روایت حتی در هیچیک از صحاح سته و حتی در مسانید معتبر اهل سنت چون مسند ابن حنبل و مسند بزاز و معاجم طبرانی (معجم کبیر، اوسط و صغیر) نیامده است. با اینحال جای تعجب است که چگونه آن را قبول کرده و مسلم می دانند! ۳-معمولا روایات ازدواج ام کلثوم با عمر را اهل سنت به یکی از علویان همچون امام صادق (ع)، امام باقر (ع) یا حسن بن حسن بن علی (ع) منتهی می کنند که این جای تأمل دارد و ظاهرا جاعلان خواسته اند اینگونه القاء کنند که این واقعه چنان صحت دارد که حتی خود اهل بیت آن را روایت کرده اند؟! ۴-اسناد هیچیک از روایات ازدواج عمر با ام کلثوم معتبر و صحیح نیست و در هرکدام چند راوی ضعیف و کذاب (به نظر رجالیون اهل سنت) وجود دارد که در این جا ما بخاطر کثرت آنان و طولانی شدن مقاله نمی پردازیم. شاید روزی آن راویان و ضعف های شان را با استناد به محدثان اهل سنت بیان کردیم. ۵-گذشته از اسناد اختلاف روایات به حدی است که انسان را به شک می اندازد. مثلا برخی روایات می گوید، ام کلثوم برای عمر تنها زید را بدنیا آورد و برخی رقیه را هم اضافه می کنند و برخی از فاطمه بنت عمر ا ز ام کلثوم خبر می دهند. یا اینکه در برخی روایات آمده وقتی عمر از علی ام کلثوم را خواستگاری کرد، علی کوچکی او را بهانه کرد، در برخی دارد که علی (ع) گفت: من او را برای فرزندان جعفر برادر خود گذاشته ام و... در برخی روایات آمده که عمر هنگامی که علی(ع) ام کلثوم را پیشش فرستاد ساقش را با دست لمس کرد. در برخی آمده وی ساقش را کنار زد و در برخی آمده که در بغل گرفت؟ ۶-بدنبال همین باید گفت: چگونه عمر به خود اجازه می دهد دختری را که هنوز عقدش نخوانده لمس و یا در بغل می گیرد؟ آیا او نمی دانست هنوز ام کلثوم برای او حلال نشده؟ چون هنوز حتی خود ام کلثوم نمی داند که او را می خواهد به عقد عمر در آورد و طبق این روایت علی (ع) او را فرستاده که عمر آیا او را می پسندد یا خیر؟ گذشته از اینکه چنین کاری (فرستادن دختر که آیا می پسندد یا نه؟) از شأن علی(ع) به دور است. ۷-در متن روایت آمده که عمر به مهاجران گفت: رفئونی. یعنی به من تبریک بگویید. این درحالی است که رسول الله (ص) از آن نهی کرده بوده است. در مسند امام حنبل آمده است که سالم بن عبدالله گفت: عقیل بن ابی طالب با زنی ازدواج کرد وقتی نزد ما آمد ما به او با کلمه " الرفاء والبنین " تبریک گفتیم. عقیل گفت: ساکت باشید. نگویید ": بالرفاء والبنین " که این از رسوم جاهلیت است و رسول الله (ص) از آن نهی کرده است و گفت: بجای آن بگویید: بارک الله فیک و بارک الله فیها (مسند حنبل، ج۱، ص ۲۰۱) ۸-در روایات آمده که ام کلثوم با فرزندش زید در زمان معاویه در یک روز از دنیا رفت؟! در حالیکه ام کلثوم فرزند علی (ع) در زمان یزید در واقعه کربلا حضور داشت و روایات زیادی در این مورد وجود دارد و خطبه های وی در راه کوفه و شام وجود دارد. ۹-در روایات دیگر اهل سنت آمده که ام

کلثوم بعـد از عمر با محمـد بن جعفر بن ابی طالب و بعـد از مرگ او با عون بن جعفر و بعـد از مرگ او با عبـدالله بن جعفر ازدواج کرد؟! در حـالیکه واقـدی روایت کرده که محمـد بن جعفر و عون بن جعفر در تستر (شوشتر) در زمـان عمر به شـهادت رسـید. و با عبـدالله هم زینب بنت علی خـواهر ام کلثـوم ازدواج کرد که او نیز در واقعه کربلاـ حضـور داشت. در اسـلام جمع بین اختین جـایز نیست. بنـا بر این نتیجه گرفته می شود که ازدواج عمر بـا ام کلثوم مجعول است و مخـدوش و جاعلان آن را برای بهره برداری های مذهبی ساخته اند و هیچ واقعیتی ندارد. زیرا هم از نظر سندی مخدوش است و راویان آن متهم به کذب و ضعف وجعل اند و هم از نظر متنی اشکالاتی زیادی دارد که اگر اهل سنت بخواهد به آن روایات استناد نمایند، شخصیت عمر را زیر سئوال برده اند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسـبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاـب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه ای


www